

3532

Fol. 57a is the concluding page of the autograph copy of a treatise on arithmetic by the well-known Andalusian mathematician Ya'ish b. Ibrāhīm b. Yūsuf b. Simāk al-Umawī al-Andalusī, hitherto recorded as Ibn Sammāk and assigned to the latter part of the 9/15th century. As the present copy, dated 1 Muḥarram 772 (26 July 1370), shows, the author spelled his name Ibn Simāk and composed this treatise at Damascus during the previous year. See Brockelmann ii. 126, Suppl. ii. 155, 379.

Merasimāt Intisab

Umevi, Ya'ish b Ibrahim

ON: 15039

510.5ME.M

Arthur J. ARBERRY, The Chester Beatty Library a Handlist of the Arabic Manuscripts, Vol.III, MSS. 3501 to 3750, 1958 DUBLIN.

Dergi / Knap
Ediöphanade Mecuttu

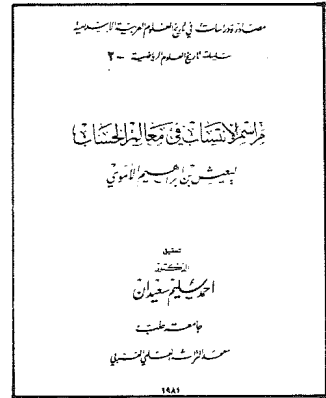
يَكُونُ الْحَامِلِ سِتَّةَ قَهْرٍ فِي الثَّلَاثِ وَيَكُونُ الْحَارِجُ أَتَيْزُ وَتَمَّوُ الْمَطْلُوبُ
وَأَمَّا الْخَطُّ فَيَقْتَضِيهِ الْكَلِمَةُ بِضَمِّهِ بِمَا يَحْتَضِرُ مِنْ تَمِيمَةٍ مِنْهُ
وَكَيْفِيَّتُهُ فِي حَيْثُ الْإِتْيَانِ حَقٌّ تَطَوُّرًا ثَلَاثًا أَنْ سَمَّا الثَّلَاثَ مِنَ الْإِتْيَانِ وَيَكُونُ
الْحَامِلُ سِرًّا يَفِيضُ فِي الْإِتْيَانِ وَيَكُونُ الْحَارِجُ سُرْسِينًا وَتَمَّوُ الْمَطْلُوبُ
وَأَمَّا الصَّيْبُ فَيَقْتَضِيهِ الْمَعْنَى مِنْ أَسْمِهِ بِضَمِّهِ فِي مَقَامِ الْمُضْرَبِ الْبَيْنِ
وَنَحْوَهُ مَا خَرَجَ عَلَى تَقَابِيرِهِ وَمَقَامِ الْمُضْرَبِ الْبَيْنِ وَمَا كَانَ الْحَامِلُ قَبْلَ الْمَطْلُوبِ
وَكَيْفِيَّتُهُ فِي ثَلَاثَةِ أَرْبَاعٍ كَمَا يَكُونُ فِيهَا أَنْ تَقْبُ فِي الثَّمَانِيَةِ الَّتِي يَتَّبَعُ بِمَقَامِ
الْثَمَانِيَةِ وَيَقْبُ الْحَارِجُ عَلَى الْأَرْبَعَةِ وَالثَّمَانِيَةِ وَيَكُونُ الْحَامِلُ سِتَّةً لَمَّا رَوَى الْمَطْلُوبُ
كَلِمَاتِ الْأَمْثَلَةِ الْمُحَقَّقَةِ بِالْمَقَرَّةِ الْمُتَفَرِّقَةِ وَكُلُّ الشَّيْءِ مِنَ اللَّهِ وَبَيْنَهُ
وَمِنْ كِتَابِهِ وَعَزْوِيهِ وَكَانَ الْحَافِظُ بِمَدِينَةِ دِمَشْقَ كَلَّمَهَا اللَّهُ وَصَدَّقَهَا بِتَارِيخِ
الثَّلَاثِ عَشْرَ رَجَبٍ مَضَى الْعَمَلُ مِنْ سَنَةِ إِحْرَاءِ سَبْعِينَ وَسَبْعِينَ لِلْبَيْتِ الْحَرَامِيِّ
عَلَى حَاجِبِهِ وَعَلَى اللَّهِ وَحُبِّهِ أَحْبَبَ الصَّلَاةَ وَأَخَى السَّلَامَ وَأَزَلَّ النَّجْمَةَ وَأَخَ الْأَيَّامَ

وَكَتَبَهُ بِحَظِّ يَدِهِ الْبَانِيَةِ مَوْلِيَةِ الْعَبْدِ الْعَفِيِّ الرَّحْمِ مَوْلَاهُ الْهَاجِي عَفْوَةً
وَرِضَاءً يَعْشُرُ مِنْهَا بِإِذْنِ بَرِّهَا إِلَى الْأَمْرِ وَعِجَابِ اللَّهِ عِنْدَهُ وَتَمَّوُ لَهُ وَلِيْنُ
وَفِعَالِيَةِ الْبَطْلِ أَنْ يَسْمَعَ مَا يَنْدُرُ وَيَسْمَعُ بِمَا يَلُحُّ وَيَعْصِي عَنِ الْإِبْرَاهِيمِيِّ وَكَانَ
الْعِرَاقُ مِنْ نَحْوِهِ فِي عَمَلِهِ مِمَّنْ اللَّهُ الْحَمِيمُ مُقْبَلٌ سَنَةً أَتَيْزُ وَيَسْبِغُ وَيَسْبِغُ بِهَا
عَلَى اللَّهِ كَمَا وَاللَّهِ التَّوَسُّلُ فِي السَّلَامَةِ مِنَ اللَّهِ لِيُحْلِلَهُ التَّوَكُّلُ
فِي حَيْثُ الْفُتُولِ وَالْعَمَلِ وَاللَّهِ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ النَّاسِحِ بِشَيْءٍ بَعِيْدِهِ
وَحَلَّتْهُ جَمِيعَ الشَّيْءِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَعَلَى اللَّهِ وَحُبِّهِ وَمَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا

٧١٢



کتابی کهن در علم حساب



مراسم الانتساب فی معالم الحساب. ليعيش بن ابراهيم الاموي. تحقيق الدكتور احمد سليم سعيدان. جامعة حلب. معهد التراث العلمي العربي. ۱۹۸۱، ۱۲۸ ص.

پیدایش و گسترش تمدن اسلامی تماس میان تمدنهایی را که پیش از آن چندان با یکدیگر ارتباط نداشتند ممکن ساخت و سنن گوناگون فرهنگی و علمی در این تمدن باهم آمیزش یافتند. در زمینه ریاضیات هندسه یونانی-اسکندرانی، که علمی استدلالی واصل موضوعی بود و مظهر برجسته آن آثار اقلیدس و آپولونیوس و ارشمیدس است، با حساب و جبر دوران اخیر اسکندرانی، بدان صورت که در آثار دیوفانتوس و نیکوماخوس دیده می شود و احتمالاً ریشه در سنتی دیگر و کهنسالتر از ریاضیات یونانی دارد، و نیز با حساب هندی آمیخته شد و مسلمین خود نیز بر این مجموعه چیزهای تازه ای افزودند. اما تاریخ ریاضیات در تمدن اسلامی با همه پژوهشهایی که تا کنون در آن شده هنوز ناشناخته های بسیار دارد، و تصحیح و انتشار نسخه های خطی ریاضیات اسلامی که در کتابخانه های گوشه و کنار جهان پراکنده است یکی از گامهای اساسی در راه بهتر شناختن میراث ریاضی مسلمین است.

آقای دکتر احمد سلیم سعیدان، رئیس دانشکده علوم دانشگاه قدس در اردن، تا کنون دو ریاضیدان مسلمان را از راه نشر آثارشان معرفی کرده است، یکی اقلیدسی است که در قرن چهارم هجری می زیسته و احياناً مبدع کسرهای اعشاری بوده - که تا این اواخر این کار به غیاث الدین جمشید کاشانی نسبت داده می شد - و دیگر همین ابو عبدالله (یا ابوالقاسم)

يعيش بن ابراهيم اموي است. از حالات اموی چیز زیادی نمی دانیم، جز اینکه ریاضیدانی اندلسی بوده که در دمشق به سر می برده و کتاب او در هشتم ذیحجه ۷۷۴ در جبل قاسیون دمشق به دست شاگردش شرف الدین عبدالقادر حنبلی استنساخ شده، و خود او در یادداشتی که به تاریخ هفدهم همان ماه بر نسخه ای از کتاب نوشته، به ناسخ اجازه روایت آن را داده است، و بنابراین نظر حاجی خلیفه در کشف الظنون که تاریخ مرگ او را در حدود ۸۹۵ می داند رد می شود. مؤلف خود کتابش را به ابواب و فصول تقسیم نکرده، اما به نظر مصحح می توان آن را شامل ده بخش دانست، از این قرار: ۱) خواص اعداد و مراتب آنها؛ ۲) جمع، که مجموع تصاعد حسابی را هم شامل می شود؛ ۳) ضرب؛ ۴) تفریق؛ ۵) تقسیم؛ ۶) ریشه دوم اعداد و عملیات مربوط به آن؛ ۷) ریشه سوم اعداد و عملیات مربوط به آن؛ ۸) کسرها؛ ۹) تناسب؛ ۱۰) جبر و مقابله.

ترتیب مطالب در کتاب اموی با ترتیبی که ریاضیدانان شرق اسلامی در آثار خود رعایت می کرده اند تفاوت دارد، زیرا برخلاف گروه اخیر، که نخست به جمع و تفریق و ضرب و تقسیم در مورد اعداد صحیح می پرداختند و آنگاه همین عملیات را در مورد کسرها شرح می دادند، اموی در مقدمه کتابش عملیات حسابی را به سه دسته تقسیم می کند: ترکیب، که شامل جمع و ضرب است؛ تحلیل، که تفریق و تقسیم و جذرگیری (تضلیع) را شامل می شود؛ و آنچه از ترکیب این دو حاصل می شود، یعنی کسرها و تناسب و جبر و مقابله. همچنین اموی از این نظر که بررسی تصاعد عددی را در فصل جمع آورده پیرو مکتب هندی است و ریاضیدانان شرق اسلامی به این شیوه عمل نمی کرده اند.

کتاب اموی کتاب درسی حساب نیست، بلکه خلاصه یا

فشرده ای است از قواعد حساب برای خواننده ای که این قواعد را بیشتر به درس خوانده باشد، و به این دلیل کتاب با عبارات معمولی نوشته شده و از آوردن ارقام و مثال و برهان، جز در چند مورد، دوری جسته است، و همین خواندن کتاب را برای کسانی که با حساب هندی آشنا نیستند دشوار می کند. با این حال کتاب از چند جهت اهمیت دارد. نخست اینکه اولین نمونه از حساب اندلسی است که به دست ما رسیده است.

دیگر اینکه این کتاب مرحله ای را در تحول حساب هندی (حساب با ارقام معمولی و در مبنای ده) در تمدن اسلامی نشان می دهد. مسلمانان حساب هندی، یا حساب با تخت و تراب، را از هندیان فرا گرفتند، اما در سه مرحله آن را درگون و سرانجام رها کردند. در این روش عملیات حسابی بر روی لوحی که خاک روی آن را می پوشاند و از راه درج و حک و حذف و نقل ارقام انجام می گرفت. کتاب اموی نماینده مرحله میانی این تحول است، یعنی مرحله ای که مسلمانان با تصرفاتی در شیوه اصلی هندی به روشهای تازه ای در حساب دست یافته بودند اما هنوز تخت و تراب را رها نکرده بودند. بی نیاز شدن از این دستگاه در سرزمینهای اسلامی در یک زمان انجام نگرفت، مثلاً ابن بنای مراکش (۶۵۴-۷۲۱) به «قدمای» که روی تخت و خاک می نوشته اند ابراد می گیرد، اما خواجه نصیرالدین طوسی، که فقط نیم قرن پیش از او می زیسته، کتابی به نام «جوامع الحساب بالتخت والتراب» تألیف کرده است.

خصوصیت دیگر این کتاب در بحث مستوفایی است که درباره تصاعدها کرده است. اموی به سه نوع تصاعد می رسد که آنها را «عددی» و «بسیطه» و «مجسمه» می نامد. تصاعد عددی یک تصاعد حسابی معمولی است، تصاعد بسیطه تصاعدی است که جمله n امش برابر است با مجموع n جمله اول یک تصاعد عددی، همین رابطه میان تصاعد مجسمه و بسیطه هم وجود دارد. وی جمله عمومی و مجموع جمله های هر یک از این سه نوع تصاعد را به دست می آورد. گرچه پیش از او نیکوماخوس (حدود ۱۰۰ میلادی) و ابومنصور عبدالقاهر بغدادی (متکلم و ریاضیدان و مؤلف الفرق بین الفرق، متوفی ۴۲۱ هـ) به تصاعد بسیطه و مجسمه اشاره کرده اند، اما هیچ یک از آن دو چیزی درباره محاسبه مجموع جمله های تصاعد مجسمه نگفته است. هنوز معلوم نیست که آیا باید کشف فرمول مجموع جمله های این نوع تصاعد را از اموی دانست یا از کسی دیگر؛ و اینکه وی در بیان قاعده این کار نیز به راه

اختصار می رود، معلوم نیست که به دلیل ترکیب کتابش این کار را می کند یا بدین دلیل که به نظر خودش چیز تازه ای بیان نمی کند بلکه قواعد شناخته ای را نقل می کند. اموی نیز چون ریاضیدانان یونانی و بسیاری دیگر از ریاضیدانان مسلمان، اعداد را همان مجموعه اعداد طبیعی (۱، ۲، ۳، ...) می داند، اما واحد را عدد نمی شمارد؛ و نیز اعداد را به فرد و زوج، و اول و مرکب، و ناقص و تام و زائد، و غیره، تقسیم می کند. همچنین وی پیرو آن سنت هندسی یونانی است که اعداد را نماینده کمیات هندسی می شمارد و آنها را به خطی (a، نظیر طول) و بسیطه (a، نظیر سطح) و مجسمه (a³، نظیر حجم) تقسیم می کند. بحث اموی درباره اعداد پس از بحث عبدالقاهر بغدادی مفصلترین بحث و تقسیم بندینی است که از ریاضیدانان مسلمان بازمانده است.

کتاب مراسم الانتساب... سه بخش و سه ضمیمه دارد. بخش اول مقدمه مصحح است که شامل توضیحاتی درباره اموی و مشخصات نسخه های خطی کتاب و مندرجات آن است (و شرح بالا عمدتاً بر پایه آن تهیه شده است). بخش دوم متن کتاب مراسم الانتساب را شامل می شود. بخش سوم حواشی مصحح است بر کتاب با توضیح پاره ای مشکلات و روابط ریاضی و منابع آنها. ضمیمه اول خلاصه رساله ای است از اموی به نام شرح الاشکال فی مساحة الاشکال که شامل دستورهایی است درباره محاسبه طول وترها و قوسهای دایره با استفاده از قضیه فیثاغورس؛ حجم دایره، قطعه دایره، مثلث و چهارضلعیهای مختلف؛ و حجم کره و مخروط و منشور. در ضمیمه دوم اصطلاحات دو رساله ضبط و شرح شده و ضمیمه سوم خلاصه ای است از مطالب مهم کتاب به زبان انگلیسی. کتاب براساس دو نسخه تصحیح شده است، یکی نسخه عکسی از روی نسخه شماره ۱۵۰۹ کتابخانه جازاله در ترکیه، که در «معهد المخطوطات» قاهره نگهداری می شود، و دیگری نسخه ای که در موزه بریتانیاست. مصحح در مورد نسخه اول می گوید که روگرفتی که در اختیار داشته در مواردی خوانا نبوده است، و با مراجعه به معهد المخطوطات دریافت است که اشکال از فیلم اصلی است. آنگاه به کتابخانه جازاله نامه نوشته تا عکس واضحتری برایش بفرستند، اما جوابی دریافت نداشته است. و به قرائن دیگر فهمیده است که دولت ترکیه نه تنها دوست ندارد عکس نسخه های خطی خود را در اختیار دیگران بگذارد، بلکه حتی دوست ندارد که محققان از وجود این نسخه ها باخبر شوند. والله اعلم.

حسین معصومی همدانی

الزند لابي العلاء المعري فرغ من تأليفه
سنة ٥٤١ هـ .

(ط) فهرست الخديوية ٤ : ٢٢٢ .

يعقوب المؤمني (٥٥٥ - ٥٩٥ هـ)
(١١٦٠ - ١١٩٩ م)

يعقوب بن يوسف بن عبد المؤمن بن
علي الكومي ، الموحددي (ابو يوسف ،
المنصور بفضل الله) من ملوك الدولة
المؤمنية في المغرب الاقصى . ولد بقصر
جده عبد المؤمن براكش ، وبويع له
بعد وفاة ابيه ، وكان معه في وقعة شنترين
فرجع الى اصيلية ، واستكمل البيعة ،
ووجه عناية الى الاصلاح ، فاستقامت
الاحوال في ايامه وعظمت الفتوحات ،
وأمر برفض فروع الفقه ، ونهى الفقهاء
عن الافتاء الا بالكتاب والسنة ، وابع
الاجتهاد لمن اجتمعت فيه شروطه ، وابطل
التقليد ، وبنى كثيراً من المدارس والمساجد
في بلاد افريقية والمغرب والاندلس ،
وشيد مستشفيات للمرضى والمجانين ، واجرى
عليها الارزاق ، وبنى صوامع وقناطر كثيرة
وحفر آباراً للماء ، وهو الذي أمر ببناء
رباط الفتح ، وجعل للفقهاء وطلبة العلم

مرتبات ، وينسب اليه من الآثار الباقية
بمراكش : باب آكنا العظيم ، والجامع الاعظم ،
وتوفي بمراكش . ينسب اليه كتاب الترغيب
في الاحاديث الصحيحة المتعلقة بالعبادات .

(ط) الزركلي : الأعلام ٩ : ٢٦٧ ، ٢٦٨ ،
البغدادي : ايضاح المكنون ١ : ٢٨٢ ، البغدادي :
هدية العارفين ٢ : ٥٤٥

يعقوب يوسفيان (١١٠٠ - ١١٦٦ هـ)
(١٦٨٩ - ١٧٥٣ م)

يعقوب بن يوسفيان . قس . ولد
بجلب ، واختير مطراناً لقلب ، فبطريركاً
للارمن الكاثوليك ، وتوفي في بزمار
ببلبنان . من مؤلفاته بالعربية : الشذور
الذهبية في منهج التوبة المرضية ، ودحض
اضاليل الارمن الغريقوريين .

(ط) شيخو : المخطوطات العربية ٢١٦ ،
توتل : المنجد ٥٧٩

يعيش الأموي (٨٩٥ - ٠٠٠ هـ)
(١٤٩٠ - ٠٠٠ م)

يعيش بن ابراهيم بن يوسف الأموي ،
الأندلسي (ابو عبد الله) رياضي . توفي
نحو سنة ٨٩٥ هـ . من آثاره : المواهب
الربانية في الأصرار الروحانية ، الاستنطاقات
في علم الحروف والأوفاق ، مراسم

كَمَلَتِ الْأُمَّةُ الْمَلْحَمَةَ بِالْمَقَرَّةِ الْمُتَقَرِّمَةِ وَكَلَّ ذَاكَ مِنْ اللَّهِ وَمِنْهُ
وَمِنْ كُنْهِ وَعَوْنِهِ وَكَانَ الْحَافِظُ بِمَرْبِنِهِ دَمْتَقُ كَلَامًا لِلَّهِ وَمَمْدَرُ نَابِتَانِ رَجْعِ
الثَّالِثِ عَشْرٍ لِمَنْ فِي مِصْرَانَ الْعَمَلِ مِنْ سَنَةِ إِحْرَاءِ سَبْعِينَ وَسَبْعِينَ لِلْعَمَلِ الْمَدِينَةِ
عَلَى صَاحِبِهَا وَعَلَى اللَّهِ وَنَحْبِهِ أَحْبَبُ الصَّلَاةِ وَأَخُو السَّلَامِ وَأَزْكَى النَّجْمَةِ وَأَمُّ الْإِيمَانِ

وَكُتِبَتْ بِحَقِّ بَدْرِ الْعَابِيَةِ مَوْلَانَهُ الْعَبْدُ الْعَفِيُّ الرَّحْمُ مَوْلَانَهُ الرَّاجِحِيُّ مَقْبُورُهُ
وَرِضَاءُ يَعِيشَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ يَسُوعَ بْنِ سَهَابِ الْأُمَوِيِّ عِبَادَ اللَّهِ عِنْدَهُ وَتَمَحَّجٌ لِدَوْلِينَ
وَفَجَّ عَلَيْهِ الْبَطْلَانُ أَنْ يَسْتَمِي مَا يَنْدُرُ وَيَسْتَمِي بِمَا يَلْبَحُ وَيَعْضِي عَنِ الْأَبِي حَمِيٍّ وَكَانَ
الْعِرَاعُ مِنْ نَعْتِهِ بِغَيْهِ نَسَبِي اللَّهِ الْحَمِيُّ مَفْتَحُ سَنَةِ اثْنَيْ وَسَبْعِينَ وَسَبْعِينَ
عَمِّي جَدِّي كَمَلَتْ وَاللَّهُ السُّوسَلِيُّ السَّلَامِيُّ مِنَ الْأَبِي حَمِيَّةِ السُّوسَلِيِّ
بِحَقِّهِ الْفَوْلُ وَالْقَمَلُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ النَّاسِحِ بِشَيْءٍ بَعِيهِ
وَحَلَّتْهُ جَمِيعُ الْمَتَابِعِ وَالْمَلِيلِ وَعَلَى اللَّهِ وَنَحْبِهِ وَمَسَلَمٌ تَسْلِيمًا كُنْتُمْ

يعيش بن إبراهيم بن يوسف (ابن سماك) الأموي
عن شستريتي، اللوحة ٧٨ المخطوطة ٣٥٣٢.

« وما بي بغض للبلاد ولا قلى
ولكن شوقاً في سواه دعاني »
واختلف الرواة في خبره. ففي حماسة
ابن الشجري أنه: وفد على « نافع بن
علقمة الكناني » وهو على مكة، لعبد
الملك بن مروان، وطالت إقامته، فنظم
القصيدة يحن إلى دياره.. وفي الأغاني
وخزاة البغدادي أنه: كان فاتكاً خليعاً،
من لصوص البادية، يجمع صعاليك
الأزد ويغير بهم على أحياء العرب،
فشكاه الناس إلى نافع بن علقمة « الفقيمي »
فقبض عليه وقيدته، فقال قصيدته وهو
مجيئ. وعندي أن قوله في القصيدة
« حاجاتي » وتمنيه أنها لو قضيت منذ زمان،
يرجح رواية ابن الشجري. وقد تنسب
القصيدة إلى « عمرو بن أبي عمارة
الأزدي » من بني خنيس، وإلى « جواس
ابن حبان » من أزد عمان (١).

يَعْلَى بْنُ مُنِيَةَ = يَعْلَى بْنُ أُمَيَّةَ

يَعْمَرُ بْنُ عَوْفٍ

(٠٠٠ - ٠٠٠ = ٠٠٠ - ٠٠٠)

يعمر بن عوف بن كعب بن عامر بن
ليث بن بكر، من كنانة: أحد حكام
العرب، من قريش، في الجاهلية. كان
يقال له « الشدّاخ » قال ابن حبيب:
« سمي بذلك لشدخه الدماء بين قريش
وخزاعة، وكانت قريش قاتلت خزاعة،
وأرادوا إخراجها من مكة، فتراضى
الفريقان بيعمر، فحكم بينهم، وساوى
بين الدماء على ألا تخرج خزاعة من مكة »
وفي القاموس والتاج: « حكم بين
قضي وخزاعة - وفي كثير من النسخ
قضاة - في أمر الكعبة، فشدخ دماء
خزاعة تحت قدمه وأبطلها، وقضى
بالبيت لقضي » وفصل يعقوبي ذلك
بما موجزه: كانت حجابة البيت إلى

خزاعة، فلما شرف قصي وعز وولد
له الأولاد، جمع إليه قومه من بني
فهر بن مالك، ونصب الحرب لخزاعة،
فاقتلوا بالأبطح، وكثرت القتلى في
الفريقين، ثم تداعوا إلى الصلح ورضوا
بأن يحكم بينهم يعمر بن عوف، ففضى
بأن قصباً أولى بالبيت وبأمر مكة من
خزاعة، وأن كل دم أصابه قصي من
خزاعة موضوع عنه، يشدخه تحت قدميه،
وأن ما أصابت خزاعة من قريش فقيه
الدية، فودوا خمساً وعشرين بدنة
(والبدنة الضحية من الإبل) وثلاثين
حرَجاً (بفتحين): الناقة الضامرة الطويلة)
قلت: وإلى يعمر - صاحب الترجمة -
ينسب « معدان بن طلحة اليعمري »
من التابعين. وقال الزبيدي: يعمر،
جد « بني دأب » الذين أخذ عنهم كثير
من علم الأخبار والأنساب (١).

الْيَعْمَرِيُّ (١) = مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ ٧٣٤
ابن يعيش (الأندلسي) = طارق بن موسى
٥٤٩
ابن يعيش (النحوي) = يعيش بن علي ٦٤٣
ابن يعيش (الزبيدي) = الحسن بن محمد
٧٩١

الْأُمَوِيُّ

(٠٠٠ - بعد ٧٧٢ هـ = ٠٠٠ - بعد

(١٣٧٠ م)

يعيش بن إبراهيم بن يوسف بن
سماك أبو عبدالله الأموي الأندلسي:
رياضي. له كتب، منها « رفع الإشكال
في مساحة الأشكال - خ » ورسالة في
« علم القبان - خ » و « مراسم الانتساب
في علم الحساب - خ » و « المواهب
الربانية في الأسرار الروحانية » في علم

(١) هكذا وردت مشكولة، بضمة وفتحة على الميم،
في نسخة ابن حجر العسقلاني، من مخطوطة
« التبيان » لابن ناصر الدين، وعليها علامة « صح ».

(١) يعقوبي ١: ١٩٧ واللباب ٢: ٣١١ والمحرر
١٣٣ والتاج ٢: ٢٦٣ والأغاني، الساسي ٢١: ١٠٥.

(١) حماسة ابن الشجري ١٧٠ والأغاني، طبعة الساسي
١٩: ١١١ - ١١٢ وخزاة البغدادي ٢: ٤٠٤ -
٤٠٥ وانظر مجلة المجمع بدمشق ٤٩: ٣٧١.

Muh. b. Aḥmed el-ʿOtmânî starb in Meknâsa im Ğumâdâ I. 919 (1513). (C. I. 369.)

452. Zakarijâ b. Muh. b. Aḥmed, el-Anṣârî, Zein ed-dîn,^{a)} geb. in Sanîka 826 (1423) (?), gest. in Kairo 926 (1520), schrieb einen Kommentar zur *nuzhe* des Ibn el-Hâ'im (s. Art. 423), in Kairo (183, Übers. 9), und ebenso einen solchen, betitelt: *fath el-mubdi'* (der Sieg (oder Eröffnung, Hilfe) des Erfinders) zum *moqni'* desselben Autors, in Kairo (189, Übers. 13).

453. Ja'îš b. Ibrâhîm b. Jûsuf el-Omawî el-Andalusî,^{b)} lebte nach dem Berliner Ms. 5949 ums Jahr 900 und schrieb: *Raf' el-iškâl* (die Beseitigung des Unklaren), über die Ausmessung der Figuren, in Berlin (5949), geschrieben i. J. 895 (1489/90). *Risâle fî 'ilm el-qabbân* (Abhandlung über die Kenntnis der Wage), in Kairo (218, Übers. 50).

454. 'Abderrahmân b. Muh. el-Şâlihî el-Ğauharî, Zein ed-dîn el-Dimišqî, der Gebetsrufer in der Omeijaden-Moschee zu Damaskus, lebte ums Jahr 900 und schrieb: *El-durr el-nazîm* (die schön geordneten Perlen), über die Erleichterung der Kalenderherstellung, mit Tafeln aus den Ulûĝ Beg'schen ausgezogen, in Berlin (5757), Gotha (1377, 2^o), Oxford (I. 998, 1^o, II. 288, 2^o—7^o).^{c)} *El-kawâkib el-zâhira* (die glänzenden Sterne), über den Gebrauch des Sinusquadranten, in Paris (2521, 9^o).^{d)}

455. Muh. b. Kâtib Sinân el-Qûnawî, war Wezir von Şâhinšâh b. Bâjezîd el-ʿOtmânî, dem Sohne Bâjezîds II. (gest. 1512) und wird so gegen 930 (1523/24) gestorben sein. Er schrieb: *Mûdih el-auġât* (der Erklärer der Zeiten), über die Kenntnis der Zeiten mit Hilfe der Muqanţarât-kreise, gewidmet dem Sultan Bâjezîd II., in Konstant. (2708). *Mizân el-kawâkib* (die Wage (oder das Maß oder die Menge) der Sterne), in Konstant. (2710). H. Ch. führt von ihm noch an: II. 234, *tuhfet el-foġarâ'* (das Geschenk der Armen), über die Bestimmung der Zeiten mit Hilfe des Muqanţarâtquadranten; VI. 499, *hadîjet el-mulûk* (das Geschenk der Könige), über die Festsetzung der Muqanţarâtkreise.

✕ 456. 'Abdel'alî^{e)} b. Muh. b. el-Hosein, Nizâm ed-dîn el-Barġendî, ein eifriger Kommentator astronomischer Werke, gest. ca. 930.^{f)}

^{a)} Dieser Beiname steht nur bei H. Ch. V. 218 u. 236; als Todesjahr hat H. Ch. an letzterer Stelle 910, dagegen II. 547 das Jahr 926.

^{b)} Dieses Relativum steht nur im Katalog von Kairo.

^{c)} Das gleiche oder aber ein ganz gleich betitelttes Werk wird in Leiden (1140) und in Oxford (II. 277) dem Taqî ed-dîn Muh. b. Ma'rûf (s. Art. 471) zugeschrieben.

^{d)} Hier und auch im Berliner Ms. 5757 heißt der Verfasser 'Abderrahmân b. Benefšâ, mit der Kunje Abû Huraira.

^{e)} An einigen Stellen kommt unrichtig nur 'Alî vor.

^{f)} Nach dem Katalog von Rieu soll er 930 noch am Leben gewesen sein, da

SUTER, s. 787, 4900 (CAPZIB)

130)¹ und vollständig in lateinischer Übersetzung erhalten; über den Inhalt s. P. KUNITZSCH, *Zum „liber hermetis de stellis beibenis“* in: ZDMG 118/1968/62-74.

21. – K. *al-Kawākib as-saiyāra*, gedruckt Kairo 1297 H.

22. – *at-Tuhfa as-saniya fi ‘ilm an-nuğūm wa-t-tawālī‘ wa-l-burūğ wa-t-tabā‘i‘*, gesammelt von einem Unbekannten, s. GAS IV, 43, No. 13.

24. – K. *Mawālīd ar-rigāl ‘alā ra’y Harmis wa-Baṭlamīyūs*, über die Geburt (von Angehörigen) männlichen Geschlechts, nach Ansichten von HERMES und PTOLEMAIOS, *Ayasofya* 2704 (27^b-43^a), s. Fahd, *Divination* S. 411).

25. – K. *Mawālīd an-nisā‘ ‘alā ra’y Harmis wa-Baṭlamīyūs*, über die Geburt (von Angehöriger) weiblichen Geschlechts, nach den Ansichten von Hermes und Ptolemaios, *Ayasofya* 2704 (44^b-60^b), vgl. Fahd, *Divination* 411).

26. – *Kanz al-asrār wa-dahā‘ir al-abrār*, ein astromagisches Buch, dessen Bedeutung von H. Ḥalifa (S. 1512-13) hervorgehoben wird. Nach seinem Bericht soll das Buch von TANKALŪSĀ (Ps. TEUKROS, s. u. S. 71), ḤUNAIN B. ISHĀQ und ṬĀBIT B. QURRA kommentiert worden sein; später habe Abū ‘Abdallāh YA‘ĪS b. Ibrāhīm b. Yūsuf AL-UMAWĪ (schrieb um 895/1489, s. Br. G II, 266) einen Auszug u. d. T. K. *al-Istināqāt* angefertigt (s. Chwolson, *Überreste* 133; Nallino, *‘Ilm al-falak* S. 209-210).

27. – K. *al-Ustūlās* (oder *al-Istamātīs*, *al-Miyalātīs*, *al-Malātīs*), eine astromagische Schrift, Hss. Oxford, Bodl., Marsh. 556 (ff. 4-110, s. Uri No. 515, S. 126), Paris 2577 (ein Stück, ff. 1-37, 10. Jh. H., s. Vajda 716), Leiden, Or. 1235, 3 (ff. 52^a-64^a, vgl. Voorb. 142), Rampur 4154 (51^b-61^b; 13. Jh. H.), s. noch GAS IV, 102. Inc.: „*wa-huwa kitāb waḍa‘ahū Harmis al-ḥakīm fī asrār ‘ilm ṣan‘at as-sirr, kāna Uaḍī waḍa‘ahā fī tabā‘i‘ al-‘ālam al-mutaḥarrrik wa-mawāqūtihā wa-ğamī‘ mā yaḥtāğū ilaihi l-‘ālim . . .*“² (s. Nachtr. S. 371).

28. – K. *Asmā‘ al-mulk al-muwakkal ‘ala l-auqāt wa-s-sā‘āt* wird zitiert in *Nawādir at-tabādur li-tuhfat al-bahādur* von Muḥammad b. Abi l-Makārim Aiyūb b. Ibrāhīm ad-Dunaisirī (7./13. Jh. H.), s. BLOCHET in: RSO 4/1911-12/54.

29. – K. *Tarkīb aṣ-ṣuwar al-mutaḥarrrika al-makānīya bi-ḍawāt al-ḥaraka an-naqlīya*, „Buch der Kombination der an festem Ort fortschreitenden Sternbilder mit den Inhabern einer Bewegung von Ort zu Ort (d. h. den Planeten)“, wird zitiert in *Ġāyat al-ḥakīm* 61-63, deutsche Übersetzung 63-65.

¹ Die Überschrift lautet: *Hāḍa kitāb waḍa‘ahū Harmis ra’s al-ḥukamā‘ wa-ntaḥalahū wa-ntaḥabahū wa-ntaḥanahū min asrār an-nuğūm. Qāla: ana wāṣi-ḥun laka min amr as-sā‘āda mā yuğtabaḥu bihi . . .*

² Diesem Traktat in der Handschrift Leiden folgt (f. 64^a-76^a) ein Anonymos: *wa-‘lam anna hāḍihi l-ḥawātīm allatī fī hāḍa l-kitāb mağmū‘a min kutub al-aḥğār wa-huwa K. al-Aḥğār li-Harmis, wa-K. al-Aḥğār li-Baṭlamīyūs wa-K. al-Aḥğār li-Ṭumṭum al-Hindī wa-K. al-Aḥğār li-‘Uṭārīd b. Muḥammad al-Ḥāsib fa-man malaka hāḍa l-kitāb fa-qad malaka l-ğamī‘ . . .*

AL-UMAWĪ, ABŪ ʿABDALLĀH YAʿĪSH IBN
IBRĀHĪM IBN YŪSUF IBN SIMĀK AL-ANDA-
LUSĪ (*f.* Damascus, fourteenth century), *arith-*
metic.

Al-Umawī was a Spanish Arab who lived in
Damascus, where he taught arithmetic. On the
single authority of Hājji Khalīfa, the year of his
death is usually given as A.H. 895 (A.D. 1489/1490).
But a marginal note on the ninth folio of his arith-
metic (MS 1509, 1°, Carullah), written by him to
give license to a copyist to teach his work, is dated
17 Dhu'l-Hijja 774 (9 June 1373). The copyist is
ʿAbd al-Qādir ibn Muḥammad ibn ʿAbd al-Qādir,
al-Hanbalī, al-Maqdisī. He states that he finished
copying the text at Mount Qāsyūn in Damascus on
8 Dhu'l-Hijja 774.

The text referred to is *Marāsīm al-intisāb fī ʿilm
al-ḥisāb*. A small work in eighteen folios, it is sig-
nificant in being written by a western Muslim for
Easterners, a circumstance that should not dis-
credit the common belief that arithmetic flourished
more in eastern than in western Islam. The work
represents a trend of Arabic arithmetic in which,
as early as the tenth century, the Indian "dust

DSB. XIII. c., s. 539-540

1981 (NEW YORK)